

عشق یا عشق زنده عشق واقعه

اگر عشق زن به زوجش یا عشق مرد به همسرش به خاطر خداوند و در راه اطاعت از او و به این جهت که همسرش یکی از نزدیکان و اطاعت‌کنندگان خداوند باشد، عشقی حقیقی، زنده و پاینده خواهد بود؛ چراکه از عشق خداوند سرچشمه گرفته است... و کسی که قلب‌ها و دگرگونی‌هایش در دست اوست، چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال را می‌خواهد؟ پس او قادر است عشق بین زوجین را که بر عشق او سبحان و متعال بنا شده است تداوم بخشد.

سید احمد الحسن (علیه السلام) پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۵، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۴۵۷

اتمام حجتی از
شیخ محمد تقی
بهجت

کودک همسری

روشن‌گری‌هایی از
احمد الحسن (علیه السلام) و
نگاه ایشان در
برخورد با زنان

لنگرگاه کشتی نوح
کجا بود؟

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست



هفته‌نامه زمان ظهور

هفته‌نامه زمان ظهور، شماره ۹۳، جمعه ۷ آذر ۱۳۹۹، ۱۱ ربیع الثاني - ۱۴۴۲، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه‌های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان است.

۳. روشنگری‌هایی از احمد الحسن علیه السلام و نگاه ایشان در برخورد با زنان.
۶. تکفیر و موضع احمد الحسن علیه السلام در این باره.....
۸. از مظلومیت و اخلاق احمد الحسن چه می‌دانی؟.....
۱۰. زنان و چگونگی یاری خلیفه خدا.....
۱۲. لنگرگاه کشتی نوح کجا بود.....
۱۴. علت گسترش جرم و جنایت در سطح جوامع چیست؟.....
۱۷. پاسخ‌های احمد الحسن علیه السلام به سؤالاتی درباره خودکشی....
۱۹. دل‌نوشته‌ای برای عزیز قلب ستاره هشتم علیه السلام.....
- بیاناتی از شیخ بهجت درباره رؤیا که شاید به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید.....
۲۰. کودک همسری.....
۲۲. به مناسبت سالروز وفات حضرت معصومه علیها السلام.....
۲۵.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله

روشنگری هایی از احمد الحسن علیه السلام

و نگاه ایشان در برخورد با زنان

چرا به واجبات توجه نمی کند و نمی گوید در قانون الهی مرد واجبات بیشتری نسبت به زن دارد؟

به عنوان مثال دو شخص را در نظر بگیرید که یکی از آن ها به ساختن بنایی به بلندی پنج طبقه و دیگری به بلندی ده طبقه تکلیف شده است. آیا عادلانه است که مقدار مواد ساختمانی یکسان و مبلغ یکسان به هر دو داده شود؟! اگر به صاحب ده طبقه، دو برابر صاحب پنج طبقه داده شود، آیا صحیح است کسی بیاید و بگوید شما ظالم هستید؛ چرا که بین دو این دو نفر مساوات را رعایت نکرده ای در حالی که هر دو برای شما کار می کنند؟!

به نظر من کسی که بگوید به زن به واسطه این تشریع ستم شده، گفتار و نظرش خام و به دور از بحث دقیق علمی است.» (سیزدهمین حواری، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۶)

۲. شاید یکی از سؤالاتی که در ذهن بسیاری از زنان شکل گرفته است این باشد که آیا در حکومت الهی زنان باید در خانه بنشینند و به طور کلی وظیفه ای نخواهند داشت؟

احمد الحسن علیه السلام فرمود:

۶۶

«در حکومت الهی - اگر خداوند اراده فرماید و زمانی برپا شود- زنان می توانند در جایگاه های

به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان نگاهی خواهیم داشت به سخنان نجات دهنده بشریت امام احمد الحسن علیه السلام درباره مسئله ظلم و ستم به زنان و نکاتی راجع به حقوق زنان.

۱. می گویند در اسلام به زن ظلم شده است و قوانین مربوط به ارث و شهادت درباره زنان، گویای آن است؛ اما به کاربردن عبارت «ظلم» تا چه اندازه می تواند درست باشد؟

احمد الحسن علیه السلام فرمود:

«کسی که می گوید به زن در تشریعی خاص مانند ارث یا شهادت، ستم شده است باید برای ما ملاک و میزان قانونی اش را بیان کند که بر اساس آن عدل و ظلم مشخص می شود؛ و در نتیجه بیان کند و یقین نماید که باید زن با مرد در همه چیز مساوی باشد؛ با اینکه همه ما می بینیم که زن با مرد در هر چیزی مساوی نیست.

همچنین کسی که می خواهد در یک نظام قانونی و تشریعی، تشریع مشخصی را نقد کند، باید این تشریع را مانند بخشی از این نظام در نظر بگیرد و این بخش را جدا نکند و با آن به صورت جدای از نظام به عنوان یک گل، برخورد نکند. حداقل به حقوق زن و واجباتش در قانون الهی توجه کند؛ نه اینکه فقط به حقوق توجه کند و بگوید در قانون الهی به زن، حقوقی کمتر از مرد داده شده است.

سید احمد الحسن علیه السلام :

ابراهیم علیه السلام را این گونه یافتیم که تبری در دست می گیرد و بت ها را درهم می شکند و از اینکه طاغوتیان و علمای بدنهاد چه بر سرش خواهند آورد، هیچ واهمه ای ندارد؛ حتی اگر او را در آتش بیفکنند! (گوساله، جلد ۲)

کتکش نزنند و طلاقش ندهد.» (پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۴، پاسخ به پرسش ۱۲۸)

۵) به طور کلی شاید این سؤال پیش بیاید که آیا مرد مؤمن می تواند زن خود را مورد ضرب و شتم قرار دهد و به او فحاشی کند؟
احمد الحسن علیه السلام در پاسخ به پرسشی فرمودند:

۶۶

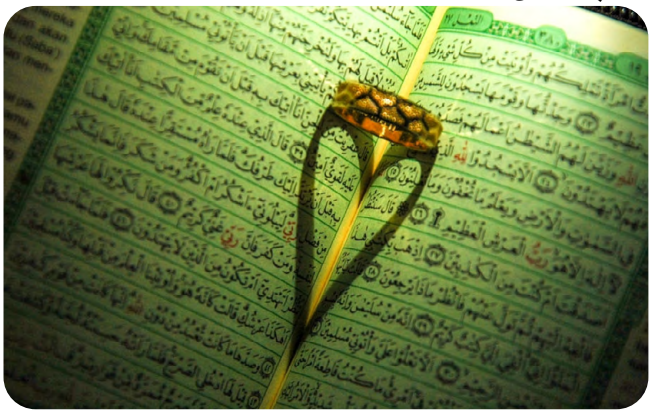
«کتک زدن و فحاشی کردن به هیچ وجه جایز نیست، و این (از مردانگی) به دور است.»

۶۶

(پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۴، بخشی از پاسخ به پرسش ۱۲۹)

۶) عقد ازدواج چه سودی برای زن دارد؟

احمد الحسن علیه السلام فرمود: «خداوند سبحان و متعال برای رابطه عاطفی و جنسی بین زن و مرد از جهت مذکر و مؤنث بودن آنها قانونی مقرر کرده است که همان عقد ازدواج است؛ ازدواجی که در آن، وجود دو شاهد بر عقد لازم است؛ یا اگر شاهدی نباشد، پس از جاری شدن، اعلان گردد... و این برای تضمین حقوق زن و تضمین ثمره برقرار شدن ارتباط بین دو انسان مؤنث و مذکر است...»
(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۵، بخشی از پاسخ به پرسش ۴۵۷)



بسیاری نقش آفرینی کنند. در بسیاری از جایگاه ها و کارها کفایت و شایستگی زن کمتر از مرد نیست و حتی در بعضی کارها زن به مراتب از مرد برتر است.

اسلام هیچ قید و بندی برای برعهده گرفتن (وظیفه) توسط زن - حتی برای مناصب رهبری جامعه - قرار نداده است؛ تا زمانی که شایسته آن باشد و آن وظیفه را به صورت کامل و صحیح به انجام برساند.»

۶۶

(پاسخ های فقهی مسائل متفرقه، جلد ۴، پاسخ به پرسش ۹۶)

۳. آیا کتک زدن زن عملی طبیعی است؟
احمد الحسن علیه السلام فرمود:

۶۶

«کتک زدن زن یک وضعیت طبیعی نیست؛

[همچنین] وضعیتی نیست که به طور معمول عمل به آن صحیح باشد؛ بلکه در حکومت الهی اگر زن به دلیل کتک زدن شوهر اقامه دعوی کند به دعوایش رسیدگی می شود و اگر مرد خطایی مرتکب شده باشد مجازات خواهد شد.»

۶۶

(پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۴، پاسخ به پرسش ۱۲۶)

۴. آیا مردی که مؤمن به دعوت احمد الحسن علیه السلام است می تواند زن مؤمن خود را به دلیل نخواندن نماز کتک بزند یا طلاق بدهد؟

ایشان علیه السلام در پاسخ به پرسشی شبیه این فرمودند: «نصیحتش کند، موعظه اش کند و به نماز خواندن تشویقش نماید و به همین وضعیت ادامه دهد.

سید احمد الحسن علیه السلام:

اگر بنده از (أنا/ من) روی برگرداند، و مخلصانه خواهان دور ساختن صفحه ظلمت و عدم باشد و خدای متعال دعایش را اجابت فرماید، جز خدای واحد قهار بر جای نمی ماند و زمین با نور پروردگارش روشن می شود. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۱۳)

مباحث استنتاجی تجربی از واقعیت های موجود می گویند، بگویم؛ تحقیقاتی که بر اساس نتایج واقعیت های موجود صورت گرفته است نشان می دهد که آنچه عشق یا علاقه بین زن و مرد خوانده می شود، پس از ازدواج یا پس از معاشرت بین زن و مرد، مدت زیادی به طول نمی انجامد؛ همان گونه که امروزه در مغرب زمین مشاهده می کنیم و چه بسا در بهترین حالت، از چند سال تجاوز نکند. در حالی که عشق و دوست داشتن واقعی، غیرممکن است بعد از گذشت چند سال و حتی بعد از مرگ و ترک این دنیا، پایان پذیرد [...] اما روابطی که شما قبل از عقد ازدواج و

یکی شدن، عشق می نامی، در واقع در بسیاری اوقات سببی برای ازدست دادن عزت و کرامت و عفت زن می شود و به طور طبیعی زن مؤمن کریم عزتمند از این وضعیت اجتناب می کند و عاطفه و علاقه اش را متوجه شخص مؤمن صالحی می کند که پس از عقد شرعی هم نشین او می شود.» (پاسخ های روشنگرانه، جلد ۵، بخشی از پاسخ به پرسش ۴۵۷)



این مطالب بخشی از سخنان احمد الحسن (علیه السلام) درباره مسئله زنان بود و برای آگاهی بیشتر می توانید به کتب ایشان رجوع کنید.

۷) یک عامل اصلی در بروز خشونت مرد علیه همسر، از بین رفتن عشق و محبت است؛ عشق واقعی چیست و چگونه شکل می گیرد؟ احمد الحسن (علیه السلام):

«عشق واقعی و زنده و پابرجا، عشق به خداوند سبحان و متعال است؛ چراکه با آن زنده پابرجای سبحان و متعال ارتباط دارد و به دنبال آن، هر عشقی که با این عشق ارتباط داشته باشد، از زنده بودن این عشق حقیقی، زنده خواهد ماند؛ بنابراین، اگر عشق زن به زوجها یا عشق مرد به همسرش به خاطر خداوند و در راه اطاعت او و به این جهت که همسرش یکی از نزدیکان و اطاعت کنندگان خداوند باشد، عشقی حقیقی، زنده و پاینده خواهد بود؛ چراکه از عشق خداوند سرچشمه گرفته است... و کسی که قلب ها و دگرگونی هایش در دست اوست، چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال را می خواهد؟ پس او قادر است عشق بین زوجین را که بر عشق او سبحان و متعال بنا شده است تداوم بخشد.» (پاسخ های روشنگرانه، جلد ۵، بخشی از پاسخ به پرسش ۴۵۷)

۸) روابط به اصطلاح عاشقانه در قبل از ازدواج چگونه به موقعیت زن لطمه می زند؟

احمد الحسن (علیه السلام) فرمودند: «آنچه شما عشق و دوست داشتن نام می نهی، در واقع چیزی فراتر از درخواستی برای عشق ورزی نیست؛ آن هم به شکل یا به صورتی خاص، یا ابراز برخی رفتارها و کلماتی که بیشترشان غیر واقعی و تکلف برانگیز است و از شخصیت واقعی مرد و زن به دور است. به واقعیت های موجود بنگر. من نمی خواهم بیش از آنچه تحقیقات و

سید احمد الحسن (علیه السلام):

کسانی که در کنار حق می ایستند، همواره در معرض نابود شدن شخصیتشان در جامعه با سخنان تزویر آمیز و افتراها و دروغ ها و بهتان هایی هستند که از سوی دشمنان انبیا و مرسلین (علیهم السلام) به آن ها وارد می شود. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۱۴)



مسئله ای که به قیمت جان می ارزد تکفیر و موضع احمد الحسن علیه السلام در این باره

تکفیر در بین مسلمین

مسئله تکفیر در بین شیعه و اهل سنت دارای ابعاد پیچیده و ریشه های تاریخی متعددی است و نمی توان به راحتی آن را تحلیل کرد و توضیح داد؛ بلکه نیازمند یک بررسی منطقی و همه جانبه هستیم.

با این حال بهتر است در ابتدا با مفهوم تکفیر و اقسام آن در جامعه اسلامی آشنا شویم.

تعریف

تکفیر در لغت از کفر گرفته شده که معنی آن، پوشاندن است، و کافر کسی است که حقیقتی را بپوشاند؛ پس تکفیر به این معناست که دیگری را به صفت کفر متصف کنی؛

در نتیجه کفر مفهومی است که معانی متعددی دارد و لفظ مشترک است؛ لذا باید به معنا و مقصود آن دقت کنیم تا از خطاها و مغالطه ها مصون بمانیم.

اقسام تکفیر

۱. تکفیر اعتقادی:

اساساً هر دین، مذهب یا حزبی دارای مرام نامه یا قانون ایمان

و دعوت به تحقیق را فراهم می سازد؛ لذا نباید نسبت به این سخن، دچار سوء فهم شد. هر شخص یا مذهبی که بگوید من مذاهب دیگر را تکفیر اعتقادی نمی کنم، در واقع خود را فریب می دهد؛ زیرا اگر شما به حقانیت مذهب خود اعتقاد داشته باشی، پس دیگران را از جهت اعتقادی باطل می دانی؛ مگر اینکه قائل با پلورالیسم (کثرت باوری) شده و همه را محق بدانیم.

۲. تکفیر فقهی:

مؤمنین به هر دین یا مذهبی

است؛ بنابراین هر کس که به قانون ایمان گروه دیگر معتقد نباشد، در عقیده آن ها کافر به آن مذهب است؛ مثلاً طبق قانون ایمان معین شده توسط مسیحیان، کسانی که به الوهیت عیسی علیه السلام و تثلیث و... معتقد نباشد کافر به حقیقت مسیح و دین مسیحیت هستند. این قصه (تکفیر اعتقادی) در تمامی مذاهب و ادیان که دارای قانون ایمان، اعتقادات، یا به عبارت بهتر اصول دین هستند، وجود دارد. این نوع تکفیر یا باور به حقانیت هر مذهبی زمینه مباحثات و گفت وگوهای علمی و نیز مناظرات



سید احمد الحسن علیه السلام:

کسی که به حسین ملحق نشود و راه و شیوه حسین را نپوید و حسین زمانش را دنبال نکند، شهید نمی شود؛ یعنی در راه خدا کشته نمی شود و شهادتی بر حق نیست؛ سپس او به فتح نمی رسد. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۱۴)

عقیده و فکر خودم مجبور سازم؛ هرگز این هدف ما نیست...»

(گفت‌وگو با شبکه «المنقذ العالمی»)

نتیجه:

رویگرد احمدالحسن علیه السلام نسبت به مخالفان خود، صرفاً دعوت به گفت‌وگوی علمی و تحقیق است؛ در حالی که بعضاً مشاهده می‌شود مخالفان ایشان که بینشی تکفیری در سه حوزه اعتقادی-فقهی-عملی دارند ایشان را این‌گونه وصف می‌کنند؛ هرچند این اتهام از اساس بی‌پایه است. زمانه ما، عصر ارتباطات و اطلاعات است و اینان هرگز نمی‌توانند دم خروس خود را پنهان کنند و شخصی را که تمام اقداماتش فرهنگی و انسانی است، متهم به تکفیر مخالفان کنند.

پی‌نوشت: اخیراً جدالی عجیب بین فقهای قم در اعتبار مرجعیت و آرای فقهی دیگر، ایجاد شده... بررسی این جدال و نوع برخورد آن‌ها با یکدیگر، مصداق صاحبان بینش تکفیری را مشخص می‌سازد.

و مذهب، بیزار است.

رویگرد امام احمدالحسن علیه السلام

هرچند حکم فقهی مرتد یا ناصبی توسط بسیاری از فقهای شیعه، سنی و وهابی، قتل است، مشاهده می‌کنیم که احمدالحسن علیه السلام هرگز به قتل این افراد فتوا نمی‌دهد؛ بلکه فقط آن‌ها را به مطالعه و تحقیق دعوت می‌کند:

«به کشتن مرتد یا ملحد یا بی‌دین فتوا نمی‌دهم؛ و موضع من با نگارش کتاب توهّم بی‌خدایی روشن است.»

(صفحه رسمی احمدالحسن علیه السلام در فیس‌بوک)

همچنین در اندیشه ایشان اختلاف عقیدتی، به معنی اقدام به جنگ یا کشتن شخص مخالف یا حذف و طرد او نیست:

«دیگران باید این مسئله را بفهمند که اختلاف من با شما در چگونگی نوع حکومت شرعی، به این معنا نیست که من با شما دشمن هستم. از دیدگاه ما، اختلاف در عقیده به این معنا نیست که من می‌خواهم با تو دشمنی کنم و تو را بکشم و با زور به حکومت تسلط پیدا کنم و تو را به قبول

در تعامل و مواجهه با پیروان سایر مذاهب ملزم به رعایت احکام یا قواعدی هستند. عموماً این ارتباطها مباح شمرده می‌شود؛ اما در شریعت اسلام اهل بیت علیهم السلام اگر کسی ناصبی یا آتئیست باشد از جهت فقهی نجس شمرده می‌شود؛ البته این مطلب بدین معنا نیست که به او بی‌احترامی یا توهین شود؛ بلکه این مطلب، حکمی فقهی است که حکمت‌های متعددی دارد. این حکم فقهی در تمام مذاهب اسلامی موجود است که رویکرد و رفتار پیروان آن‌ها نسبت به دیگران را مشخص می‌سازد.

۳. تکفیر عملی:

مقصود ما از این کلمه اجرای حد بر کافران است. مسئله‌ای که امروزه توسط سفیانی‌ها در حال فتوا و اجراست. آن‌ها کسانی را که به سلفی‌گری و خدای وهابیت معتقد نیستند کافر اعتقادی-فقهی-عملی دانسته و قتل او را واجب می‌شمارند. دین آن‌ها بر قتل مخالفانشان بنا شده است؛ پس با تشکیل گروهک‌های جهادی قصد تخریب، انفجار، آتش‌سوزی، قتل، سربردن و... را دارند؛ قطعاً اسلام محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، از این نوع اسلام

سید احمدالحسن علیه السلام:

کسی که به حسین علیه السلام ملحق شود، قطعاً شهید می‌شود و متناسب با مقامش و مقدار التزمش به حسین علیه السلام چیزی از فتح را درک می‌کند؛ یعنی پیروزی و فتح با قائم علیه السلام را درک می‌کند. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۱۴)

خطاب به هر مسیحی

از مظلومیت و اخلاق احمد الحسن چه می‌دانی؟

(نمود). (اشعیا ۶۳: ۵)

این آیات توصیفی از دعوت مظلومانه اوست؛ او که همانند عیسی در سرزمین مقدس دیگر، یعنی عراق، دعوتش را آغاز نمود، با سختی‌های بسیاری از سوی علمای دینی مواجه شد؛ تهمت‌ها و افتراهای فراوان... و سختی و سختی‌ها و سختی‌ها... و حتی آن‌ها راضی نشدند؛ بلکه بسیاری از یاری‌دهندگان به او را در عراق به طرز وحشتناکی به شهادت رساندند. او به دنیا رو نکرد و راضی به آن نیست و چگونه او طالب دنیا باشد در حالی که برای هدایت مردم و بیان حق، گوشه‌گیری‌اش بیشتر شد و حتی او و عیالش در زمین خدا آواره و رانده شدند؛ در حالی که می‌توانست همچون بسیاری در خانه خود بنشیند و علیه فساد و ظلم و بی‌عدالتی سخنی نگوید تا مبادا نیروهای امنیتی جانش را به خطر اندازند؛ حاشاه که احمد الحسن چنین باشد و او را چنین یافتیم که مقابل صدام جنایتکار و نیروهای اشغالگر و متجاوز آمریکایی و بدعت‌هایی که وارد دین خدا شده است ایستاد و آنان را محکوم کرد.

و او که برای انجام مأموریت الهی، فتوای ظالمانه قتلش صادر شد، به جهت زمین نیفتادن امر خدا، مجبور به فرار و اختفا شد؛ چنان‌که ایلیا نیز مجبور به این امر شد: (۲ و ایزابل رسولی نزد ایلیا فرستاده، گفت: «خدایان به من مثل این بلکه زیاده از این عمل نمایند، اگر فردا قریب به این وقت، جان تو را مثل جان یکی از ایشان نسازم». ۳ و چون این را

در مقالات پیشین دلایل حقانیت احمد الحسن تقدیم شد، و در رابطه با دعوت او اندکی توضیح دادیم؛ اما در این مقاله می‌خواهیم به بخشی از مظلومیت او پردازیم؛ بنابراین تنها به بیان بخشی از مظلومیت او در کتاب مقدس اکتفا می‌کنیم و سپس توضیحاتی را ارائه می‌نماییم:

در اشعیا از زبان منجی می‌خوانیم: (۱ ای جزیره‌ها از من بشنوید! و ای طوایف از جای دور گوش دهید! خداوند مرا از رحم دعوت کرده و از احشای مادرم اسم مرا ذکر نموده است. ۲ و دهان مرا مثل شمشیر تیز ساخته، مرا زیر سایه دست خود پنهان کرده است؛ و مرا تیر صیقلی ساخته در ترکش خود مخفی نموده است. ۳ و مرا گفت: ای اسرائیل، تو بنده من هستی که از تو خویشان را تمجید نموده‌ام! ۴ اما من گفتم که عبث زحمت کشیدم و قوت خود را بی‌فایده و باطل صرف کردم؛ لیکن حق من با خداوند و اجرت من با خدای من است. ۷ ... خداوند که ولی و قدوس اسرائیل است، به او که نزد مردم محقر و نزد امت‌ها مکروه و بنده حاکمان است چنین می‌گوید: پادشاهان دیده برپا خواهند شد و سروران سجده خواهند نمود، به سبب خداوند که امین است و قدوس اسرائیل که تورا برگزیده است). (اشعیا ۴۹: ۷)

و می‌خوانیم: (و نگرستم و اعانت‌کننده‌ای نبود و تعجب نمودم زیرا دستگیری نبود. لهذا بازوی من مرا نجات داد و حدت خشم من مرا دستگیری

سید احمد الحسن (علیه السلام):

شناخت تفسیر کتاب خداوند فقط مختص طلبه‌های حوزه علمیه نیست؛ بلکه بر هر مسلمانی واجب است در حد امکان تفسیر کتاب خدا را بشناسد. (گوساله، جلد ۲)

که کسی دست او را ببوسد و دستش را دراز نمی کند که مردم بر آن بوسه بزنند. آیا شخص دنیا طلب این گونه عمل می کند؟! کجاست آن دنیایی که او طالب آن است؟! و چگونه و با چه چیزی در طلب آن بوده است؟!



اما اگر به او بگویند: (تودیداری). (یوحنا ۷: ۲۰) و به او بگویند: (تودروغ می گویی). (ارمیا ۲: ۴۳) و در رابطه با او بگویند که او (گمراه کننده قوم است). (یوحنا ۷: ۱۲) و بگویند: (گناهکار است). (یوحنا ۹: ۲۴) و بگویند: (دیوانه است). (یوحنا ۱۰: ۲۰)، می گوییم: پس این آیات امروز مقابلشان است: اما ایشان رسولان خدا را اهانت نمودند و کلام او را خوار شمرده، انبیایش را استهزا نمودند؛ چنان که غضب خداوند بر قوم او افروخته شد، به حدی که علاجی نبود. (۲ تواریخ ۳۶: ۱۶) و سخن عیسی مقابلشان است: (۱۱ خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. ۱۲ خوش باشید و شادی عظیم نمایید؛ زیرا اجر شما در آسمان عظیم است؛ چون همین طور بر انبیای قبل از شما جفا می رسانیدند). (متی، باب ۵) پس ای مسیحیان، تدبر و تعقل کنید! و حمد و سپاس از آن خداست.

فهمید، برخاست و به جهت جان خود روانه شده، به بئرشبع که در یهوداست آمد و خادم خود را در آنجا وا گذاشت). (۱ پادشاهان، باب ۱۹)

و چنان که در رابطه با عیسی می خوانیم: (۲۹ و برخاسته او را از شهر بیرون کردند و بر قله کوهی که قریه ایشان بر آن بنا شده بود بردند تا او را به زیر افکنند. ۳۰ ولی از میان ایشان گذشته، برفت). (لوقا، باب ۴)

و می خوانیم: (و بعد از آن عیسی در جلیل می گشت؛ زیرا نمی خواست در یهودیه راه رود؛ چون یهودیان قصد قتل او می داشتند). (یوحنا ۷: ۱)

محبوب ترین مردم نزد ایشان مادر پاکشان بود که قبل از این دعوت، حتی برای یک روز نیز از او جدا نشد؛ اما مجبور شد که از او دور شود تا زمانی که وی جان باخت. مادرش در حالی وفات کرد که احمدالحسن از ایشان دور بود و با او را وداع نکرد. آیا کسی که طالب دنیا باشد، این گونه در راهی دشوار و وحشت آور، سلوک می کند و جرعه جرعه درد و غصه می نوشد؟!

هرگاه کنار یارانش باشد خودش غذا می پزد و هنگامی که نیاز به شستن ظروف باشد، خودش با دستان خودش این کار را انجام می دهد و خدمت به آنان را افتخار می داند؛ آیا شخص دنیا طلب این گونه عمل می کند؟! آیا تواضعش ما را به یاد عمل عیسی نمی اندازد؟ (پس آب در لگن ریخته، شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشکانیدن آنها با دستمالی که بر کمر داشت). (یوحنا ۱۳: ۵) آیا احمدالحسن که خودش مایحتاج منزلش را از بازار خریداری می کند و هیچ محافظ مسلح یا غیر مسلحی نداشته و ندارد، طالب دنیاست؟! و لابد دیده اید که بزرگان مذهبی و دنیا طلب علاقه دارند تا دست هایشان بوسیده شود؛ اما او قبول نمی کند

سید احمد الحسن علیه السلام:

یادگیری احکام بر هر مسلمانی واجب است؛ زیرا در زندگی به آن ها مبتلا نظیر معاملات و مکلف به ادای آن ها همچون عبادات است، و حتی بر هر مؤمنی واجب است که آن ها یا برخی از آن ها را به برادران مؤمن مسلمانش بیاموزد. (گوساله، جلد ۲)

موضوعی که هر بانوی تازه‌مؤمن باید بداند

زنان و چگونگی یاری خلیفه خدا

امام احمد الحسن علیه السلام می‌فرمایند:

زن مؤمن مانند مرد مؤمن است. زن مؤمن نماز می‌گزارد، روزه می‌گیرد و دقیقاً مانند مرد مؤمن، به آنچه مورد رضای خداوند سبحان است عمل می‌کند؛ مگر در برخی تفصیلات و خصوصیات. زن مؤمن مکلف است نسبت به دین خود معرفت یابد و در حد وسعش، حق را به مردم بشناساند و ابلاغ نماید: **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ)** (خدا هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. هرکس عمل شایسته‌ای انجام داده، به سود اوست، و هرکس مرتکب کار زشتی شده، به زیان اوست). (بقره، ۲۸۶)

در بیان حق و ابلاغ به مردم کوتاهی نکنید؛ چه تبلیغ چهره‌به‌چهره باشد و چه از طریق رسانه‌هایی مانند اینترنت که در دست‌رسان است؛ همان‌طور که بسیاری از برادران انصار شما، به انتشار مقالات در روزنامه‌هایی که در اینترنت منتشر می‌شود و مردم در بخش عمده‌ای از کشورهای جهان مطالعه می‌کنند، مبادرت ورزیده‌اند. این کار بسیار اثرگذار بوده و باعث ایمان برخی

مردم از کشورهای مختلف شده است.

همچنین بانوان مؤمن می‌توانند به‌اندازه وسع و توان خود، کارهایی برای خویش تنظیم و تعریف کنند و به برپایی مجالس عزا در مناسبت‌های مربوط به مصائب آل محمد علیهم السلام پردازند و حق را به مردم بشناسانند و باطل را تبیین کرده و اهل باطل را مفتضح سازند.



حضرت زینب علیها السلام پس از واقعه کربلا، نقش بسیار عظیمی در تبیین حق و رسوانمودن باطل برعهده

داشت. از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما خواهران را در رویارویی با طاغوتیان این زمان موفق بدارد؛ همان‌طور که حضرت زینب علیها السلام را در رسواسازی و بی‌آبروکردن اهل باطل و بیان جنایات و سرکشی‌ها و طغیان‌شان توفیق عطا فرمود.

و اما تقیه، ابزاری است که مؤمن با آن از زندگی‌اش محافظت می‌کند تا حق را نصرت دهد. **تقیه این نیست که آدمی فقط به خاطر محافظت از زندگی‌اش، نسبت به آن بیم داشته باشد و از آن مراقبت کند. فرو گذاشتن و یاری نکردن حق، ربطی به تقیه ندارد و جزو آن نیست.** از خداوند مسئلت دارم

که اسباب را برای شما فراهم سازد و کارها را برای شما آسان گرداند تا حق را نصرت دهید و حق را بر دست و زبان شما هویدا گرداند و شما را در حرکت بر مسیر زنان صالح قرار دهد؛ مانند فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام و خدیجه علیها السلام و مریم و زن مؤمن و نیکوکار فرعون که خانه‌ای نزد خدا را برزینت و زخرف دنیا ترجیح داد: **(وَصَبَّرَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ**

سید احمد الحسن علیه السلام:

عاقل کسی است که بهره‌اش از این دنیا و فرصتی را که در آن سیر به‌سوی خداوند در اختیار دارد تباه نسازد. منظوم فقط در ادای واجبات نیست، بلکه مستحبات را نیز شامل

می‌شود. (گوساله، جلد ۲)



تهدیدها و فشارهای حکومت ظالم علیه خاندان اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی و بیان احادیث شیعه در خصوص غدیر خم و ولایت و امامت، در حرکتی سیاسی اجتماعی، همراه برادران خویش به عرصه مبارزه وارد شد و هجرت را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود و حکومت وقت برگزید.

پس از آنکه امام رضا علیه‌السلام با آن شیوه دردناک از اهل بیت خود خدا حافظی می‌کرد و به اجبار و اکراه، مدینه را به قصد مرو ترک نمود، حضرت معصومه علیها‌السلام پس از گذشت یک سال به بهانه دیدار برادر، همراه تنی چند از دیگر برادران خود، مدینه را ترک کرد. بنا به نقل روایات متواتر، حضرت معصومه علیها‌السلام در میان راه بیمار شد و پس از رسیدن به قم رحلت نمود.

حال باید کمی تأمل کنیم؛ این مقاله درباره زنان و وظیفه آنان در قبال حجت‌های الهی است؛ اما همه ما چه مرد و چه زن باید به میزان عمل خود توجه نماییم و محاسبه کنیم که آیا ظرف خود را از یاری حجت خدا لبریز کرده‌ایم یا اینکه هنوز ظرفمان خالی است؛ و بدانیم هرچقدر هم تلاش کنیم باز در مقابل حجب الهی ظرفمان خالی است.

در محضر عبد صالح، ج ۲، ص ۱۰۰ اما وقتی به تاریخ نگاهی می‌اندازیم زنان پاک‌دامنی را می‌بینیم که بیش از وسعشان و تمام آنچه را داشتند در راه حق اهدا کردند. زنانی همچون دخت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و دختر گرامی‌شان حضرت زینب علیها‌السلام و دیگر زنان که از مادرشان حضرت زهرا الگو گرفتند و در راه حق جهاد کردند و دست از نصرت حجت زمانشان برنداشتند. نمونه بارز آن، دختر امام موسی کاظم علیه‌السلام است که فراق پدر و برادر را تحمل نکرد و به سمتشان هجرت کرد تا جایی که مرگ، به جهاد این بانوی گرامی در این دنیا پایان داد. در میان دختران امام کاظم علیه‌السلام حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام، همچون اجداد طاهرینش بود و با اقتدا به حضرت زینب علیها‌السلام در مقابل

وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثل می‌زند آنگاه که گفت: ای پروردگار من، برای من در بهشت نزد خود خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکار برهان). (تحریم، ۱۱)

وی با طاغوت دست و پنجه نرم کرد و تا به آنجا از حق دفاع نمود که راضیه، مرضیه، مجاهد و شجاع به سوی پروردگار شتافت و خداوند در برترین کتابی که نازل فرموده، یعنی قرآن، یادی از او به میان آورده است؛ این همان فضل بزرگ است: (لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ) (عمل‌کنندگان باید برای چنین پاداشی عمل کنند). (صافات، ۶۱)



سید احمد الحسن علیه‌السلام:

عمل به شریعت، فقط به جا آوردن عبادات نیست؛ بلکه رفتار نیکو با مردم را نیز در بر می‌گیرد. (گوساله، جلد ۲)



احمد الحسن از دیدگاه دین و علم پاسخ می‌دهد:

لنگرگاه کشتی نوح کجا بود؟

به اعتقاد من، اینکه چنین مطرح می‌کنند که پس از طوفان، نوح و قومش در منطقه‌ای خارج از بین‌النهرین استقرار یافتند، تلاش‌هایی بی‌محتوا بوده که پیامدهای زیادی را به دنبال دارد و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. پیش‌تر اشاره کردم که ویژگی‌های دلمون* سومری مشابه ویژگی‌های دولت مهدی است که در عراق برپا می‌شود و عراق پایتخت آن خواهد بود.

روشن شد این نظریه که لنگرگاه کشتی نوح بر روی برخی کوه‌های ترکیه یا ارمنستان بوده، با اصول ثابت‌شده علمی بسیاری، ناسازگار است. خاستگاه این اعتقاد، تفسیر برخی یهودیان از تورات است که در آن از کوهی به نام آرات یا آرات سخن به میان آمده است.

در جاهای دیگر نیز دانستیم که روایت تورات از طوفان نوح مانند اشاره به اینکه آب تمام کوهستان‌های زمین را پوشاند، با اصول علمی، کاملاً سراسر ناسازگاری دارد؛ بنابراین نمی‌توان چنین تصور کرد که کشتی نوح بر کوهی به ارتفاع چندین کیلومتر از سطح دریا لنگر انداخته باشد؛ آن هم بر اثر سیلاب و بالارفتن سطح آب. پیش‌تر گفتیم که زمین

نوح، قوم او و نسل‌هایی که پس از وی آمدند، بعد از طوفان در سرزمین بین‌النهرین رحل اقامت افکندند که این خود مکان لنگرانداختن کشتی را معین می‌کند. این چیزی است که فقط افراد ستیزه‌جو می‌توانند منکرش شوند. اصل و اساس داستان طوفان از سومر است؛ یعنی ناقلان آن، ملت ساکن در بین‌النهرین بوده‌اند و آن را میراث پدران و نیاکان خود می‌دانسته‌اند.



سید احمد الحسن (علیه السلام):

جمع شدن بر گرد علمای باعمل مخلص برای خدا، واجب است؛ همان امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، مجاهدین در راه خدا و دفاع‌کنندگان از او. (گوساله، جلد ۲)



و از نظر علمی وقوع آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین از آنجا که این تفسیر توراتی از یک‌سو با علم و از سوی دیگر در جاهای مختلف با متن سومری ناسازگار است، نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

اما نام «جودی» که در قرآن به آن اشاره شده، مکان لنگرانداختن کشتی است و درباره این اسم، چیزی که با آن بتوان مکان مزبور را جایی غیر از عراق دانست، وجود ندارد. فرضیه مفسران قرآن، این است که این منطقه یکی از کوه‌های ترکیه است و حال آنکه این کلام در واقع، پیروی از تفسیر اخبار یهود از متن توراتی است که بدون بررسی و تفحص ارائه شده است.

* دلمون: سرزمین و تمدنی کهن در سواحل خلیج فارس است. دلمون در روزگاران باستان آن‌چنان که در نوشته‌های سومریان آمده، به جایی گفته می‌شود که آفتاب از آن طلوع می‌کند و به سرزمین زندگی معروف بوده است. دریای کنار دلمون (خلیج فارس) نیز به تبع آن دریای طلوع آفتاب و دریای سرزمین حیات نامیده می‌شد. (ویکی‌پدیای فارسی)

فاقد چنین حجم انبوهی از آب است؛ حتی اگر گفته شود که این سیل به دلیل لبریز شدن دریای سیاه از آب رخ داده باشد، که البته این مدعا همان طور که گفته شد، در برابر نقد تاب نمی‌آورد.



امکان ندارد جهش هیدرولیکی برای آب‌هایی به بلندای چند کیلومتر رخ دهد و سپس این آب‌ها با چنین ارتفاعی، هزاران کیلومتر به صورت افقی حرکت کنند تا به کوه‌های آرارات بین ترکیه و ارمنستان برسند. در حقیقت این فرضیه بیشتر به خیال‌پردازی شبیه است

منبع:

احمدالحسن، توهّم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، ترجمه فارسی، ۱۳۹۷ش، صفحه ۴۱۷ و ۴۱۸.

سیداحمدالحسن (علیه السلام):

رفتار نیکو با مردم فقط رفتار ملایم و با عطوفت و مهربانی نیست؛ بلکه گاهی اوقات باید شدت و جدیت به خرج داد، و هر رفتاری مخاطب خودش را دارد. (گوساله، جلد ۲)

سؤالی که در پی وقوع روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی ایجاد می‌شود

علت گسترش جرم و جنایت در سطح جوامع چیست؟

دارد و نه امروز و اقتصادی، به‌سمت هلاکت و گسترش خشم و ظلم پیش می‌رود. نباید فقط مردم این جامعه را محکوم کنیم؛ بلکه باید حکام را مذمت کرده که موجب این مشکلات شده و مردم را بی‌دین، بی‌اخلاق و بی‌عاطفه کرده‌اند.

سیره فرستادگان الهی، همیشه این بوده که علت اصلی مشکل را شناسایی کرده، به مبارزه فرهنگی با آن می‌پردازند؛ نه اینکه مشکل را به گردن قربانیان انداخته، آن‌ها را مذمت کنند.

بعد فردی دارد؛ اما نباید از بعد اجتماعی و تأثیر جامعه غافل ماند. وقتی مردم در مشکلات اقتصادی باشند، زمینه ایجاد جرم و جنایت بالا می‌رود؛ زیرا تأثیرات منفی مشکلات بر روح مردم ضعیف، آن‌ها را به‌سمت پُرکردن نقایص از هر طریقی سوق می‌دهد. گاهی به فکر سرقت از جیب دیگران می‌افتند، گاهی به فکر قتل و غارت، و گاهی به فکر خودکشی، و حتی بالاتر، کشتن اولاد خویش... جامعه‌ای که نه آینده و امیدی

از مهم‌ترین مسائلی که تأمل در آن عاملی برای اصلاح جامعه است، بررسی علل جرم‌ها و جنایت‌هاست؛ به عبارت دیگر بر ماست تا زمینه و ریشه آسیب‌های اجتماعی را شناسایی کنیم، نه اینکه فقط در برابر این مسائل اقدام قضایی داشته باشیم یا آن را مذمت کنیم.

تأثیر شرایط جامعه بر عمل افراد

سید احمد الحسن علیه السلام در پیامی در فیس‌بوک، تحلیلی کوتاه در خصوص این مسائل ارائه فرمودند:

66

«یک مجرم و یک قاتل ممکن است یک قربانی باشد و شخصی که خودکشی می‌کند اغلب یک قربانی است. وقتی فردی، گروهی یا کل جامعه را در شرایط سخت و شدید قرار می‌دهید، انتظار نداشته باشید که آن‌ها به‌طور طبیعی یا اخلاقی رفتار کنند.»

66

قطعاً هر جرم یا گناهی از جهاتی



سید احمد الحسن علیه السلام:

ای برادران و خواهران مؤمن! ابراهیم علیه السلام تبری برداشت و بت‌ها را شکست؛ پس از این سیره و روش شریف پیروی کنید؛ روش پیامبران و فرستادگان خدا که آن‌ها را در قرآن می‌خوانید. (گوساله، جلد ۲)



آن‌ها سازمان‌بندی کار، تخصص، شایستگی و صداقت است؛ همان طور که ضرب‌المثل می‌گوید: کار را به آن‌که شایسته است بسپار (نان را به نانواش بده).»
۱۳ آگوست ۲۰۱۷

راهکار حل مشکلات اقتصادی در دوران تحریم و کرونا

بر دولت‌هاست که مشکلات اقتصادی مردم در شرایط سخت را برطرف کنند؛ مگر وظیفه دیگری نیز دارند؟! اساساً فلسفه اینکه دولت یا حکومت، بر کل منابع عمومی کشور مسلط می‌شود، این است که در توزیع ثروت بین مردم، عدالت را رعایت کند و فقر و

به سؤالی درباره وظایف دولت و حکومت‌ها، در صفحه شخصی‌شان در فیس‌بوک نوشتند:

«هدف از برپایی دولت و حکومت در جامعه انسانی، رسیدن به رفاه اجتماعی و رساندن به حداقل کفایت برای همه اعضای جامعه است؛

[آن هم] با توجه به اصل هم‌بستگی اجتماعی و از طریق تحمیل مالیات و گسترش اقتدار دولت و تهیه برخی از منابع طبیعی عمومی با اطمینان از [حفظ] آزادی و حقوق فردی؛ و به‌منظور دستیابی به پیشرفت و رفاه، مسائلی ریشه‌ای هستند که باید رعایت شوند؛ از جمله

وظیفه حاکمان، ترویج عملی اخلاق و ایجاد رفاه اقتصادی

سید احمدالحسن رحمته‌الله در بیانی دیگر فرمودند:

«فردی که خواستار اصلاح است، گناهکاران را نمی‌کشد؛ بلکه خواستار هدایتشان می‌شود و اخلاق نیکو را از خلال رفتار و روش خویش در زندگی، نسبت به آنان، به ایشان می‌شناساند...»
(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸)

حاکمان که مسببان اصلی ارتقا یا پسرفت جوامع هستند، باید رویکردی اخلاقی در پیش بگیرند تا در جامعه اصلاح و تغییر محقق شود؛ اما دفع حداکثری و برخورد‌های صرفاً چکشی، نتیجه‌ای جز گسترش نفرت و ناامیدی ندارد.

گذشته از اینکه بر آن‌هاست تا رفاه اقتصادی را برای مردم جامعه ایجاد کنند؛ زیرا این وظیفه از اولی‌ترین حقوق مردم و تکالیف دولت‌هاست؛ در غیر این صورت رهبران حکومت‌ها در گسترش فساد و جنایت، مسئول هستند؛ زیرا زمینه پدید آمدن آن را فراهم کرده‌اند.

سید احمدالحسن رحمته‌الله در پاسخ



سید احمدالحسن رحمته‌الله:

تبرها را بردارید و بت‌ها و گوساله‌ها را بشکنید و پیش از هرچیز هرکدام از ما باید از خویشتن آغاز کند و سپس مردم اطراف خودش، و نه‌راسید که شما پیروزید، اگر ایمان داشته باشید. (گوساله، جلد ۲)

حداقل بین افراد مسکینی که از مقلدان خودشان هستند و در این شرایط نمی‌توانند ضروریات اولیه زندگی روزمره خود را فراهم کنند.

توجه: منظورم کمک مالی‌ای است که حداقل برای یک ماه، خانواده‌ها را کفایت کند و منظورم کمک‌های ساده‌ای نیست که در حال حاضر دیده می‌شود؛ مانند آنچه در حال حاضر برخی افراد و گروه‌ها برعهده گرفته‌اند.»

نتیجه

مقصران اصلی وضعیت فرهنگی جامعه، حاکمان و رهبران دینی هستند؛ چراکه آن‌ها به فکر رفاه و وضع اقتصادی مردم نبوده‌اند و زمینه جرم و جنایت را فراهم ساخته و به جای برخورد کریمانه و اخلاقی، برخوردی تند و سلبی داشته‌اند.

در نتیجه مردم قربانی این جامعه و تدابیر حاکمان آن می‌شوند.

خصوص در فیس‌بوک نوشتند: «با توجه به متوقف‌شدن زندگی در عراق و برخی از کشورها و وخیم‌شدن شرایط زندگی برای کسانی که به درآمد روزانه خود وابسته هستند و امتناع دولت عراق از ارائه هرگونه کمک مالی به افراد آسیب‌دیده، وظیفه شرعی و اخلاقی است که مقامات مذهبی که اموال عمومی در اختیارشان هست (خمس و بودجه زیارتگاه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های وابسته به آن‌ها و مانند آن) آن وجوه را در بین کسانی توزیع کنند که کارشان متوقف شده، یا

مشکلات اقتصادی را از جامعه بزداید.

فرقی نمی‌کند این حکومت شبه‌دینی باشد یا سکولار؛ بلکه وظیفه اولیه آن‌ها، چیزی جز رسیدگی به اقتصاد مردم نیست تا زمینه جنایات دیگر، فراهم نشود.

با این حال در کشورهای اسلامی یا شیعی که مشکلات عدیده‌ای مثل کرونا یا تحریم را تحمل می‌کنند راهکاری روشن‌تر نیز وجود دارد. «کمک رهبران دینی» در صورتی که دولت در وضعیت مساعدی قرار ندارد.

سید احمدالحسن علیه السلام در این



سید احمدالحسن علیه السلام:

آنچه برای پیامبران و اوصیاء علیهم السلام اهمیت دارد توجه به خداوند و هم‌نشینی با خداوند است، نه توجه به دنیا و زینت‌هایش؛ با این وجود که انبیا و اوصیاء علیهم السلام به آبادانی زمین و رفاه اقتصادی مردم نیز اهتمام دارند. (گوساله، جلد ۲)

پاسخ های احمد الحسن علیه السلام به سؤالاتی درباره خودکشی



پدرم به خاطر درس، مرا تحت فشار قرار می دهد؛ مخصوصاً اینکه من، دانش آموز ششم [دبیرستان] هستم؛ همیشه سخنی به من می گوید که معنویات را از بین می برد و اصلاً به من احترام نمی گذارد؛ اگر در پرسش اشتباه کنم و به او بگویم اشتباه کردم، هستی را به هم می دوزد و اصلاً نمی فهمد و مرا به خاطر درس [کتک] می زند؛ مخصوصاً اینکه حالت روانی من، به خاطر پدرم واقعاً خسته است؛ به خدا سوگند، به دلیل برخوردهای بد پدرم، به حد خودکشی رسیدم؛ اگر مکانی بود که در آن ساکن می شدم، خانه را رها می کردم.



پیش از هر مسئله ای، باید بدانی که شما بشخصه، فردی هستی که از خودکشی زیان می بینی؛ مقابل شما، فرصتی است که در این زندگانی [دنیا] زندگی کنی و در آن، مسائلی را به وجود بیاوری که برای شما و جامعه و دنیا و آخرت است؛ مقابل شما، زندگی شخصی ات است؛ چه بسا در روزی از روزها با خانمی (انسانی) همراه شوی و خانه و خانواده زیبا و خوبی بسازید که سودمند و برای جامعه و زندگی، پربار باشد؛ خودکشی، صرفاً فرار از مشکلات است؛ در حالی که راه حل صحیح، برخورد با مشکلات و حل کردنشان است؛ و در طول زندگی و نیز در زندگی آینده ات، انبوهی از خیر و بدی و زیبایی و زشتی، از آنچه می پسندی و ناپسند می دانی، در مقابلت است؛ آیا هر زمانی که با مشکلی روبه رو می شویم، باید از آن فرار کنیم.

سید احمد الحسن علیه السلام، صفحه رسمی فیس بوک، ژوئیه ۲۰۱۸

سید احمد الحسن علیه السلام :

به آن کسی که همه چیز را پدید آورده و آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشته، تمسک جوی و هر آنچه خداوند سبحان تو را به آن آگاه می سازد پذیرا باش تا هر چیزی را از او بدانی و هلاک و گمراه نشوی؛ حتی اگر تمام اهل زمین جملگی هلاک و گمراه شوند. (در محضر عبد صالح،



برادرم پیش از این دعوت مبارک به دلیل شدت مشکلات خانوادگی خودکشی کرد. آیا او در آتش است؟
او در حالت طبیعی خود نبود؛ بلکه مصیبت‌های دنیا بر او شدت گرفته بود و آنچه نباید، انجام داد.
من چه کار می‌توانم برایش انجام دهم؟



خودکشی یا آزار رساندن به خود حرام است؛ ولی این به آن معنا نیست که هرکس چنین کند از اهل آتش است؛ هرکس بر ولایت کسانی باشد که خداوند فرمان به اطاعت از آنها را به او داده، از اهل بهشت است.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد چهارم

یک مجرم و یک قاتل ممکن است یک قربانی باشد؛ و شخصی که خودکشی می‌کند اغلب یک قربانی است.
وقتی فردی، گروهی یا کل جامعه را در شرایط سخت و شدید قرار می‌دهید، انتظار نداشته باشید که آنها به‌طور طبیعی یا اخلاقی رفتار کنند.

پیام فیس‌بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰

سید احمد الحسن علیه السلام:

خداوند سبحان و متعال را با خدای در خلق بشناس و او، همان امام مهدی علیه السلام است. ایشان که سلام و صلوات پروردگارم بر او باد، تجلی و ظهور خدا در خلق است؛ یعنی تجلی و ظهور شهر کمالات الهی در خلق. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۱)



دل نوشته‌ای برای عزیز قلب ستاره هسّم ﷺ

کبوتر بخت با اهل قم یار بود که توفیق میزبانی‌ات را پیدا کردند؛ اما...
معصومه جان، بانوی پاک و نجابت، در هسّم‌های تو شوری موج می‌زند که همه بانوان این کوی را به
مجاهدت و تلاش در مسیر الهی وامی‌دارد؛ شوری که تو را به هجرت به سوی خدا و خلیفه خدا سوق داد؛
راهی که بسیاری از انسان‌ها حتی توان وارد شدن به آن را ندارند.
راحت جان موسی کاظم، سال‌ها فراق پدر را تحمل کردی و در این آتش سوختی و اکنون با اینکه زخم
فراق برادرت التیام نیافته، باید از این دنیا رخت برندی...
ای سید پوش جامه بندگی، پس از تواف بر این دنیا و جامه‌های خوش رنگ و لعابش؛ زیرا تقدیر این
سد که احساس خواهرانه‌ات ترک بردارد و باد دلی تنگ، معبود را زیارت کنی...
و برادری که هرگز به دیدارش نائل نیامدی، در مصیبت تو و در حسرت دیدار تو بسوزد و دم بر نیآورد.
ای عزیز قلب رضا، تویی روی، اما دل مظلوم رضا و هسّم به راه مانده او داغ دار ماتم تویی شود...
رفتی و برادرت را ندیدی؛ تا روضه خوانی برادرت در مدینه در لحظه وداع به تحقق پیوند؛ آنگاه که همه
زنان حرم را جمع کرد و فرمود بسیار گریه کنید که دیگر مرا نخواهید دید...
سلام خدا بر قلب حننت ای مولای من، **یا علی بن موسی رضا**، عظم الله اجرکم...



اتمام حجتی از شیخ محمد تقی بهجت

بیاناتی از شیخ بهجت درباره رؤیا که شاید به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید

هستند، ولی هرکدام حاجتی دارد: مال، عیال، خانه، قضای دین، رفع کسالت و مرض و...؛ ولی هیچ‌کس به فکر من نیست و برای ظهور و فرج من به‌طور جدی دعا نمی‌کند!» پایان نقل قول

می‌خوانیم که گفت: «زمانی مرحوم شیخ ابراهیم حائری در مسجد کوفه معتکف بود. حضرت غائب علیه‌السلام را در خواب دید. حضرت به او فرمود: این‌ها که در اینجا معتکف‌اند، از خوبان و صلحا

وقتی مرجع طراز اول باشی حرفت زیاد خریدار دارد؛ حال اگر فوت کنی که دیگر محبوب‌تر هم می‌شوی! صحبت از شیخ محمد تقی بهجت فومنی است که در این نوشتار کوتاه پيامی از سوی او داریم برای تمام کسانی که او را گرامی می‌دارند و سخنانش را با جان و دل می‌پذیرند، اما با کلام اهل بیت علیهم‌السلام عناد دارند و دیدن پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در رؤیا را به باد تمسخر می‌گیرند؛ به‌خصوص وقتی که رؤیا مظهر تأییدی بر حقانیت احمد الحسن علیه‌السلام می‌شود و اهل بیت علیهم‌السلام به حقانیت احمد الحسن علیه‌السلام شهادت می‌دهند.

پس در این نوشتار بخش‌هایی از کلام شیخ را می‌آوریم و امیدواریم انصاف پیشه کنید؛ و بر این نکته تأکید داریم که این نقل از ایشان صرفاً از باب الزام هست:

در کتاب «در محضر بهجت، ج ۳، ص ۲۴۸» سخنی از شیخ بهجت



سید احمد الحسن علیه‌السلام:

باید دانست این که خداوند در موجودات تجلی دارد به این معنا نیست که او جزئی از آن‌ها یا در درون آن‌هاست؛ بلکه به این مفهوم است که موجود، قوامی ندارد مگر با خداوند و ظهوری ندارد مگر با نور خدا. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۴)



اشاره‌ای کافی است و نیاز به شواهد بیشتر از این نیست. امیدواریم تمامی مخالفان دعوت حق یمانیه دست از تعصب بردارند و خود تحقیق و جست‌وجو و دقت کنند و بر احدی توکل نکنند؛ زیرا روزی می‌رسد که سخت پشیمان خواهند شد و در آن روز پشیمانی هیچ سودی ندارد.

«آیا نباید در فکر این باشیم که از کسی که خداوند برای اصلاح جامعه قرار داده، بخواهیم که بیاید؟! خود او در مسجد سهله و جمکران، در خواب و بیداری در گوش افرادی از دوستانش بدون اینکه او را ببینند، فرموده است: «فرج من نزدیک است، دعا کنید» یا به نقلی فرموده: «فرج من نزدیک شده، دعا کنید بدّا (تأخیر) حاصل نشود.»»
پایان نقل قول
گمان می‌کنیم که برای عاقل

بنابراین او تأیید می‌کند که امام مهدی علیه السلام در رؤیا دیده می‌شود و کسی که او را ببیند به درستی که خود حضرت را دیده است؛ حال آیا بعید است که اگر حضرت فرستاده‌ای ارسال کند، در رؤیا این خبر را به مردم دهد؟ چنان‌که بسیاری از مؤمنان در رؤیا دیده‌اند؟

همچنین در کتاب «در محضر بهجت، ج ۲، ص ۴۰۸» کلام دیگری از او را می‌خوانیم که گفت:

“

«زمانی آقا شیخ هادی خراسانی رحمه‌الله ایام فاطمیه، پیغمبر ﷺ را در خواب می‌بیند. حضرت به ایشان می‌فرماید: چرا روضه نمی‌خوانی؟ مگر مجالس عزرا را نمی‌بینی؟!» پایان نقل قول

“

شما را به خدا قسم، اگر شیخ زنده بود، آیا به او می‌گفتید که چرا به این رؤیا اعتقاد دارید؟ در حالی که شیخ هادی خراسانی در زمان پیامبر ﷺ نبود تا چهره او را دیده باشد و او را در رؤیا بشناسد!

و در کتاب «در محضر بهجت، ج ۱، ص ۱۰۸» می‌خوانیم که گفت:



سید احمد الحسن علیه السلام:

انسان مؤمن با هر معصیت تنزل می‌کند و حتی با هر التفات به دنیا و غفلت از خداوند، در ظلمت غوطه‌ور می‌شود و نجاست و پلیدی و آتش جهنم را لمس می‌کند و به همین دلیل وضو و غسل قرار داده شده است. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۴)



کودک همسری

جسمانی و روانی دوران نوجوانی آغاز می‌شود. بلوغ جنسی دختران تغییراتی را در اندام‌های جنسی ایجاد می‌کند و آن‌ها پس از بلوغ جنسی توانایی تولیدمثل پیدا خواهند کرد. با ترشح هورمون‌های جنسی، اندام‌های جنسی شروع به رشد کرده و صفات ثانویه جنسی ظاهر می‌شوند. این تغییرات ظاهری و درونی چالش‌هایی را برای دختران به همراه دارد و در واقع در بلوغ جنسی تغییرات به غدد و اندام‌های جنسی مرتبط است؛ به همین دلیل بلوغ جنسی دختران، باعث ایجاد آمادگی و توانایی رابطه جنسی، میل جنسی و تولیدمثل می‌شود.»

منبع: myvmc / webmd / بخش بهداشت و سلامت نمناک



این موضوع می‌تواند برای خانواده‌های مختلف

- کودک همسری؛ آری یا خیر؟!
- کدام یک مجوز کودک همسری است؛ قانون یا شریعت؟!
- عقد دختر بچه نه‌ساله با جوان بیست‌ساله!
- واکنش به ازدواج دختر نه‌ساله
- طبق نظر علما ازدواج دختر نه‌ساله جایز است!
وقتی به مطالعه خبرگزاری‌ها و محتوای خبری‌شان می‌پردازیم و با چنین مطالبی برخورد می‌کنیم دچار دوگانگی و سردرگمی می‌شویم! آیا چنین ازدواجی صحیح است؟!
آیا شرع و اسلام چنین مجوزی برای ازدواج دختر نه‌ساله داده است؟!
آیا قانون مجوز این ازدواج‌ها را تصویب کرده است؟!
بدیهی است که ازدواج امری بزرگ و خطیر است و صرفاً جواز یک عمل جنسی نیست و قبل از آن، باید بلوغ‌های عاطفی و اجتماعی و... حاصل شود؛ اما در اینجا ما به بررسی ویژگی‌های فیزیکی و جنسی دختر نه‌ساله می‌پردازیم تا ببینیم از چنین توانی برخوردار است یا خیر؟

«چیزی که روان‌شناسان به آن معتقدند این است که سن نه‌سالگی، سنی است که نه می‌توان او را کودک دانست نه نوجوان. دختران نه‌ساله در نوجوانی، با چالش‌های متعدد فیزیکی و عاطفی مواجه خواهند شد. با شروع دوره بلوغ، تغییرات

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

دنیا سراسر نجاست است و کسی که در آن واقع شود نجس می‌شود. خداوند سبحان و متعال به‌خاطر کرامتی که نسبت به مؤمن دارد، چنین قرار داده است که او نجس نمی‌شود.

(متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۴)

ایجاب می کند و شرایطی که در حالت عادی به سر می بریم. ایشان در ادامه می فرمایند:

۶۶

«به عنوان مثال اگر تصور کنیم فاجعه ای روی زمین رخ دهد و تنها اندکی از نوع بشر یا از مؤمنان باقی بمانند، در چنین وضعیتی مسئله ازدواج و زادآوری زود هنگام - با در نظر گرفتن اقدامات احتیاطی - به جهت ضرورت حفاظت از نوع بشر یا حفظ مؤمنان خواهد بود؛ وگرنه احتمال انقراض نوع بشر بیشتر خواهد شد. کسی که نظریه تکامل و چگونگی عملکرد مجموعه ژن ها را در طبیعت درک می کند، آنچه را من می گویم [به خوبی] خواهد فهمید. در این مسئله به خصوص اگر ضرورتی برای ازدواج زود هنگام - یا به عبارت دیگر آمادگی جنس ماده نوع بشر برای لقاح در سنین پایین - در محافظت از نوع بشر، در ادوار پیشین تکامل «هومو» ها وجود نمی داشت، بدن نوع مؤنث به این صورت تکامل نمی یافت؛ یعنی به صورتی که آمادگی باروری در سنین پایین را داشته باشد.»

۶۶

(صفحه رسمی فیس بوک، ۲ نوامبر ۲۰۱۴)
اما ممکن است که چگونگی فرگشت برای شما سؤال باشد.

آیا فرگشت در سیر تکاملی بدن انسان امری حقیقی است؟!

در این باره لازم است به کلام سید احمد الحسن علیه السلام توجه کنیم که می فرماید:

«بنابراین تکامل، موضوعی حتمی است که در گذشته، حال و آینده وجود داشته، دارد و خواهد داشت؛ زیرا تمام مقدمات آن فراهم است و قبلاً نیز این مقدمات فراهم بوده است؛ بنابراین، موضوع بر سر پاسخ آری یا خیر، نیست؛ زیرا

کاملاً متفاوت باشد و به طور ثابت و تغییرناپذیر نیست، اما ممکن است.

راز نهفته

حال از کلام سید احمد الحسن علیه السلام راز کودک همسری را می خوانیم:

۶۶

«موضوع جایز بودن ازدواج دختران نه ساله در اسلام عبارت است از بیان حدود وضعیت شرعی؛ و اگر شرایط حکمرانی برای خلیفه خداوند مهیا شود و قانون احوال شخصی افراد را وضع کند، این قانونی نیست که [الزاماً] حکومت الهی طبق آن عمل کند؛ بنابراین اگر امر برای خلیفه خدا گسترش یابد می تواند قیدهایی را وضع نماید برای ممنوعیت ازدواج دختران، کمتر از سنی که به طور معمول اعضای تناسلی زنانه شان کامل نشده است - همان طور که وجود ضرورتی برای این نوع ازدواج شرط است - و اینکه وضعیت جسمانی دختران از نظر معاینات پزشکی قانونی برای ازدواج مناسب باشد و...»

۶۶

ایشان تأکید می کنند که قانون ثابتی نیست و این یک حکم شرعی است که به دست خلیفه خداست. در ادامه می فرمایند:

۶۶

«به طور کلی حلال دانستن این نوع ازدواج در شریعت اسلام - همان طور که بیان شد - دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد؛ بلکه این تشریع تنها بیانگر نهایت سنی است که در آن سن، دختران جوان در صورت وجود ضرورت - امکان ازدواج پیدا می کنند.»

۶۶

نجات بشریت

قطعاً تفاوت است بین شرایطی که ضرورت

سید احمد الحسن علیه السلام:

اگر قرآن را با عقل خود تجسم نمایی، «بسمله» سورة فاتحه را همانند نقطه ای می یابی که همه قرآن گرد آن می چرخد؛ حتی تورات و انجیل و هر آنچه را که همه پیامبران و فرستادگان با خود آورده اند. (متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به پرسش ۵)



این است که بنا به نظر مشهور فقها، ازدواج با دختر نابالغ، جایز و هرگونه استماع جنسی از ایشان صحیح است. البته دخول بر این‌گونه دختران منوط به رسیدن ایشان به سن نه سال قرار داده شده است. البته نکته شایان توجه این است که دخول را در صورتی که موجبات آسیب جنسی به ایشان شود، حرام دانسته و باعث می‌شود این دختر بر او حرام ابدی شود. البته ایشان بر این باورند که اگر دخول بر دختر نابالغ باعث این‌گونه آسیب جنسی نشود، مرد صرفاً یک حرام انجام داده است و نه تنهادهای بر او [واجب] نیست، بلکه آن دختر نیز بر او حرام موبد نمی‌شود. (سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۰)

سید احمد الحسن ع در ادامه مطلب کودک همسری می‌فرمایند:

“

«اما اینکه برخی طبق نظر شخصی خودشان این حکم شرعی را پیاده می‌کنند، آن هم بدون ضوابطش، و باعث آسیب‌رساندن به جسم دختران جوان و کم‌سن‌وسال می‌شوند، این خطایی از سوی آنهاست و خطای شریعت نیست. آنها و فقهایشان، نه شایستگی پیاده‌سازی شریعت را دارند و نه شناخت حدود آن را به صورت کامل. از همین رو خداوند موضوع تطبیق و پیاده‌سازی را بر عهده خلیفه و جانشین خود در زمینش قرار داده است.»

“

در نتیجه به ناچار می‌توان برای حیات بشر در شرایط ضروری از چنین پتانسیلی استفاده کرد؛ نه اینکه به طور قانون در تمام زمان‌ها چنین عملی پسندیده و شرعی و مجاز باشد.

وجود تکامل، واقعیتی کاملاً بدیهی است؛ به همان روشنی چرخیدن زمین! علاوه بر آنچه گذشت، دلایل فراوانی از علم کالبدشناسی تطبیقی سنگواره‌ها و علم ژنتیک وجود دارد که همگی موضوع تکامل را تأیید می‌کنند و بر آن صحنه می‌گذارند. تکامل موضوع روشنی است و حتی در زنجیره جانداران امروزی که در دسترس ما قرار دارند، نیز به وضوح دیده می‌شود. در نتیجه تکامل حیات یک فکت و واقعیت غیرقابل انکار است.»

(سید احمد الحسن، کتاب توهّم بی‌خدایی، ص ۸۶)



تصور اشتباه!

نظرات فقهای شیعه در این رابطه بسیار زیاد و آوردن همه آنها در این مجال ضروری نیست. فقط آنچه بایستی به اختصار به آن اشاره کرد

سید احمد الحسن (علیه السلام):

«بسمله» سورة فاتحه، رسالت، ولایت، سرآغاز و نهایت است. (متشابهات، جلد ۱، بخشی

از پاسخ به پرسش ۵)



به مناسبت سالروز وفات حضرت معصومه علیها السلام

بر حرم آل عبا آدم محضر ناموس خدا آدم
گوشه‌ی آینه گدا گشته‌ام دست به دامن رضا گشته‌ام
در حرم مادر ایران‌ام محضر زهرای خراسان‌ام
عمه ز آینه نگاهی نما حضرت معصومه‌ی اخت‌الرضا
عمه‌ی سادات وفات شده زهر جفا سم حیات شده
ای حرمت ملجأ انصار یار از تو گرفتیم همه اعتبار
عمه‌ی سادات سلام‌علیک قبله‌ی حاجات سلام‌علیک
زائران مهدی صاحب‌عزاست کج لبش ذکر و سلام و دعاست
عمه‌ی احمد، فرجش دیر شد منتظرش هم به خدا پیر شد
منتظرم حضرت دل برده را بانگ «افيقوا» زده این مرده را
عمه‌ی سادات دعایی نما تا که بیاید پسر مرتضی

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.